

تأملی در برخی از فقرات دعای «اللَّهُمَّ ادْخِلْ عَلَيَّ أَهْلَ الْقُبُورِ السُّرُورَ»

حجت الاسلام والمسلمین دکتر مصطفی محسنی*

مقدمه

از دعاهای ماه مبارک رمضان که سفارش شده است در تعقیبات نمازهای یومیه خوانده شود، دعایی است که با فراز «اللَّهُمَّ ادْخِلْ عَلَيَّ أَهْلَ الْقُبُورِ السُّرُورَ» آغاز می‌شود.^۱ برخلاف بسیاری از ادعیه، واژگان این دعا چنان آشناست که فارسی‌زبانان معنای بیشتر فرازهای آن را متوجه می‌شوند. فرازهای این دعا رفع گرفتاری‌ها و برآورده شدن حوائج خواننده یا آشنایان وی از مسلمانان را دربر می‌گیرد؛ بر همین اساس با جان و دل خوانندگان لمس می‌شود. بیشتر افراد حین قرائت به معنای تحت‌اللفظی توجه می‌کنند؛ اما به نظر می‌رسد مبلغان می‌توانند برخی از فرازهای این دعا را افزون بر معنای ظاهری، حمل بر معانی دیگر کنند و از این طریق بسیاری از آموزه‌ها را به مخاطبین خود تعلیم دهند.

در نوشتار پیش‌رو برخی از فرازهای این دعا مورد توجه قرار گرفته است و معانی دیگری افزون بر آنچه متبادر به ذهن است، بیان می‌شود.

۱. اللَّهُمَّ ادْخِلْ عَلَيَّ أَهْلَ الْقُبُورِ السُّرُورَ

در این فراز از دعا، از خداوند می‌خواهیم اهل قبور و مردگان ما را شاد و مسرور کند. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: برای مردگان خود هدیه بفرستید. سؤال شد: هدیه اموات چیست؟ حضرت فرمودند: «صدقه و دعا».^۲ ثمره دعا برای اهل قبور منحصر به مردگان نیست، بلکه با تأمل بیشتر زنده‌ها نیز از دعا بهره خواهند برد و آن بهره، یاد مرگ است؛ زیرا اگر این دعا با حضور قلب

* مدرس حوزه و دانشگاه.

۱. ابراهیم بن علی عاملی کفعمی، المصباح للكفعمي (جنة الأمان الواقية)، ص ۶۱۸.

۲. حسین بن محمدتقی نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۲، ص ۴۸۴.

خوانده شود، انسان را به یاد مرگ خواهد انداخت و زمینه رشد و تعالی معنوی و دوری از گناه در دعاکننده را موجب خواهد شد.

پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می فرماید: «زِر الْقُبُورِ تَذَكُّرٌ بِهَا الْآخِرَةِ؛^۱ به زیارت قبرها برو تا آخرت را به یاد آوری». نیز می فرماید: «زُورُوا قُبُورَ مَوْتَاكُمْ وَ سَلِّمُوا عَلَيْهِمْ فَإِنَّ لَكُمْ فِيهِمْ عِبْرَةً؛^۲ به زیارت مردگان بروید و بر آنان درود و سلام بفرستید؛ زیرا این کار درس عبرتی برای شما می شود». بنابراین دعا برای رفتگان و رفتن به قبرستان مایه عبرت از عاقبت دیگران است؛ زیرا مردگان نیز روزی مانند ما در دنیا زندگی کرده اند و اکنون زیر خاک آرمیده اند و ما هم روزی همانند آنان خواهیم بود؛ به همین دلیل از دعای ما افزون بر اینکه اموات مستفیض می شوند، دعاکنندگان نیز عبرت می گیرند.

۲. اللَّهُمَّ أَغْنِ كُلَّ فَقِيرٍ

در این فراز از دعا از خدای متعال می خواهیم همه فقرا را بی نیاز کند. با خواندن این فراز، در بدو امر آنچه در ذهن تداعی می شود، مستضعفین مالی و مساکین هستند که همین طور هم هست. دعا برای بی نیاز شدن کم بضاعت ها یا بی بضاعت ها بسیار مناسب است؛ اما نباید از دو فقره دیگر که جامعه از آن رنج می برد، یعنی فقر فرهنگی و فقر معنوی غافل شد.

کسی که با خودروی گران قیمت در خیابان تردد می کند و ناگاه شیشه را پایین زده و زباله داخل را به خیابان پرتاب می کند، فقیر مالی نیست، بلکه دچار فقر فرهنگی است. بسیاری از افرادی که رعایت حقوق دیگران را نمی کنند و با آنکه از سرمایه کلانی برخوردارند، مزاحمت هایی برای هم نوع خود ایجاد می کنند، دچار فقر فرهنگی اند. البته فقر فرهنگی اختصاص به اغنیای جامعه ندارد، بلکه چه بسا کسی هم از نظر مالی فقیر باشد و هم از نظر فرهنگی.

بدتر از فقر مالی و فقر فرهنگی، فقر دینی یا فقر معنوی است. پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فقر را مرگ سرخ می نامند و هنگامی که از ایشان پرسیده می شود فقر از دینار و درهم، می فرمایند نه بلکه فقر از دین.^۳ در نقطه مقابل نیز ثروت تنها مادی نیست، بلکه ثروت معنوی است که خیر دنیا و آخرت

۱. ابو القاسم پاینده، نهج الفصاحة (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ)، ص ۵۱۰.

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۹، ص ۶۴.

۳. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۲۶۶.

تأملی در برخی از فقرات دعای «اللَّهُمَّ ادْخِلْ عَلَيَّ أَهْلَ الْقُبُورِ السُّرُورَ» ■ ۱۶۷

انسان را در پی خواهد داشت. رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می فرماید: «بی نیازی با فراوانی متاع ناپایدار دنیا به دست نمی آید، بلکه به غنای نفس آدمی است».^۱ حضرت علی عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَام فقر نفس را بزرگترین بلاها معرفی می کند؛^۲ همچنین امام باقر عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَام فقر قلب را بزرگترین فقرها و غنای نفس را بالاترین بی نیازی ها می داند.^۳

۳. اللَّهُمَّ أَشْبِعْ كُلَّ جَائِعٍ

در اسلام، سیرکردن گرسنگان یکی از فرامین الهی است. این عمل گاهی کفاره ترک برخی از واجبات است؛ هر کسی سهواً یا عمداً روزه ماه مبارک را ترک کرد یا به قسم خود عمل نکرد یا عهد خود را شکست، به تناسب گناهی که مرتکب شده، باید به تعدادی مشخص از گرسنگان طعام دهد. در روایات بسیاری اطعام جزء حسنات بزرگ دانسته شده است، گاهی این عمل را باعث جذب مغفرت الهی و گاهی نیز جزء ایمان دانسته اند.^۴

با این وجود گرسنگان دیگری نیز هستند که می توان با قرائت این دعا به آنها توجه کرد؛ از جمله گرسنگی هنگام جان دادن است. حضرت زهرا عَلِيَّهَا السَّلَام برای کسانی که نماز را سبک می شمارند، عواقبی را بیان می کنند که یکی از آنها مرگ در حال گرسنگی است: «يَمُوتُ جَائِعاً».^۵

تحمل و صبر بر گرسنگی در روزهای ماه مبارک رمضان، انسان را به یاد گرسنگان فقیر می اندازد و این بجاست. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تنبّه بالاتری از تحمل گرسنگی در ماه مبارک می دهند و در خطبه شعبانیه می فرمایند: «وَأَذْكُرُوا بِجُوعِكُمْ وَعَطَشِكُمْ فِيهِ جُوعَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَعَطَشَهُ»^۶ و به گرسنگی و تشنگی خود در این ماه، گرسنگی و تشنگی روز قیامت را یاد کنید».

بنابراین افزون بر دعا برای فقرای گرسنه، گنهکارانی که گناهشان باعث گرسنگی در حال احتضار و قیامت می شود نیز مدنظر قرار می گیرد.

۱. حسن بن علی ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۵۷.

۲. عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ص ۱۹۱

۳. حسن بن علی ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۲۸۶.

۴. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۵۰.

۵. علی بن موسی ابن طاووس، فلاح السائل و نجاح المسائل، ص ۲۲.

۶. محمد بن علی ابن بابویه، عیون اخبار الرضا عَلَيْهِ السَّلَام، ج ۱، ص ۲۹۵-۲۹۷.

۴. اللَّهُمَّ اكْسُ كُلَّ عَزِيَانٍ

امام سجّاد علیه السلام فرمود: «مَنْ كَانَ عِنْدَهُ فَضْلٌ تَوَبَّ فَعَلِمَ أَنَّهُ بِحَضْرَتِهِ مُؤْمِنٌ يَحْتَاجُ إِلَيْهِ فَلَمْ يَدْفَعْهُ إِلَيْهِ أَكَبَهُ اللَّهُ فِي النَّارِ عَلَى مَنْخَرِيهِ؛^۱ هر کسی لباس اضافه‌ای داشته باشد و بداند که برادر مؤمنش به آن نیاز دارد و به وی ندهد، خداوند متعال او را در آتش جهنم سرنگون خواهد کرد». خود حضرت نیز پایان هر زمستان و تابستان لباس‌های خود را به فقرا می‌داد و هنگامی که به ایشان می‌گفتند برخی از این لباس‌ها قیمت خوبی دارد و فقیر ارزش آن را نمی‌داند، بفروشید و پولش را به فقیر بدهید؛ پاسخ می‌دادند: «من خوش ندارم لباسی را که در آن نماز گزارده‌ام به فروش رسانم».^۲

برهنگی همیشه بر اثر فقر نیست. زنان و دخترانی که از پوشیدن لباس مناسب خودداری می‌کنند، فقیر مادی نیستند. پسر جوانی که چندبرابر قیمت یک شوار سالم هزینه می‌کند و شلواری که قسمت‌های زیادی از آن پاره است را بر تن می‌پوشاند، مشکلش تهیدستی نیست. در این فراز از دعا این افراد نیز نیاز به توجه دارند.

بالا تر از این دو، برهنگی از لباس تقواست که بسیاری از افراد به آن گرفتارند. خداوند می‌فرماید: «يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُؤَارِي سَوْآتِكُمْ وَ رِيشًا وَ لِبَاسُ النُّقْوَى ذَلِكَ حَئِيْرٌ؛^۳ ای فرزندان آدم، لباسی برای شما فرستادیم که اندام شما را می‌پوشاند و مایه زینت شماست؛ اما لباس پرهیزگاری بهتر است». امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه می‌فرماید: «بهترین لباس‌ها برای مؤمن از لحاظ زینت جامه پرهیزگاری است و نیکوترین لباس از جهت خوشی و راحتی، لباس ایمان است. خداوند متعال فرمود: «وَ لِبَاسُ النُّقْوَى ذَلِكَ حَئِيْرٌ».^۴ علامه طباطبایی در بیان چرایی اهمیت لباس تقوا می‌فرماید: «(زیرا حسابگر آن مردم نیستند، بلکه خدای تعالی است و نتیجه‌اش هم اعراض مردم نیست، بلکه شقاوت و بدبختی دائمی و آتشی است که به دل‌ها سرایت می‌کند؛ به همین دلیل لباس تقوا نیز از لباس ظاهر بهتر است».^۵

لباسی فرستاد بر جان و تن بیوشید تا عورت خویشتن

۱. احمد بن محمد بن خالد برقی، المحاسن، ج ۱، ص ۹۸.

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۶، ص ۹۰.

۳. اعراف: ۲۶.

۴. امام صادق علیه السلام (منسوب)، مصباح الشریعة، ص ۳۰.

۵. سیدمحمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۶۹ - ۷۰.

تأملی در برخی از فقرات دعای «اللَّهُمَّ ادْخِلْ عَلَيَّ أَهْلَ الْقُبُورِ السُّرُورَ» ■ ۱۶۹

بنابراین کسانی که از لباس تقوی بی بهره‌اند، مانند عریان از فقر به دعا نیاز دارند تا از مهلکه‌ای که آنها را هر لحظه به آتش جهنم نزدیک می‌کند رهایی یابند.

۵. اللَّهُمَّ أَفْضِلْ دَيْنَ كُلِّ مَدِينٍ

در این فراز از دعا از خدا می‌خواهیم زمینه ادای دین مدیونان را ادا فرماید. متبادر به ذهن در این فراز، مقروضان و کسانی هستند که دیون مالی بر دوش دارند. اگر کسی بیشتر در معنای دین تأمل کند، دیون آبرویی از جمله غیبت، تهمت و ... نیز در ذهنش خطور می‌کند؛ اما با تأمل عمیق‌تر دایره کسانی که تحت پوشش این دعا قرار می‌گیرند بسیار گسترده‌تر است. این دعا هر پنجاه حقی که امام سجاد علیه السلام در صحیفه سجادیه آورده است پوشش می‌دهد.^۱ این حقوق عبارت‌اند از: حق الله، حقوق اعضای بدن (زبان، گوش، چشم، دست، پا، شکم، عورت)، حقوق افعال (نماز، حج، روزه، صدقه، قربانی) حقوق پیشوایان (حاکم، معلم، ارباب بر برده)، حقوق رعیت (حق مردم بر حاکمان، شاگرد، همسر، حق برده بر ارباب)، حقوق خویشاوندان نسبی (مادر، پدر، فرزند، برادر) و حقوق دیگران (آزادکننده انسان از بردگی، برده‌ای که تو آزاد کرده‌ای، نیکی‌کننده، مؤذن، امام جماعت، همشین، همسایه، دوست، شریک مال، بدهکار، معاشر، مدعی، مدعاعلیه، مشورت‌کننده با تو، مشورت‌گیرنده از تو، نصیحت‌خواه، نصیحت‌گو، بزرگ‌تر، کوچک‌تر، کسی که از تو درخواستی دارد، کسی که از او درخواستی داری، بدکننده به تو، شادکننده تو، هم‌دینان، اهل ذمه).^۲

کوتاهی در ادای حق، انسان را به صاحب حق مدیون خواهد کرد.

۶. اللَّهُمَّ رُدِّ كُلَّ غَرِيبٍ

غریب در عرف رایج به کسی می‌گویند که از اهل و عیال و خانمان خود دور است. با توجه به همین معنا امام کاظم علیه السلام می‌فرماید: «فَقَالَ إِنَّ ابْنِي هَذَا يَمُوتُ فِي أَرْضِ غُرَبَةٍ فَمَنْ زَارَهُ مُسَلِّمًا لِأَمْرِهِ عَارِفًا بِحَقِّهِ كَانَ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ كَشْهَدَاءِ بَدْرٍ»^۳ همانا این پسر من [امام رضا علیه السلام] در غربت از دنیا می‌رود؛ پس کسی او را زیارت کند، در حالی که تسلیم امرش و عارف به حقش است، در نزد خدا همانند شهدای جنگ بدر است.»

۱. حسن بن علی ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۲۷۲.

۲. سیدمحمدرضا حسینی جلالی، «رسالة الحقوق»، در: دانشنامه جهان اسلام، ص ۳۰۵ - ۳۰۷.

۳. جعفر بن محمد ابن قولویه، کامل الزیارات، ص ۵۰۷.

در این فراز از خدا می‌خواهیم غریبان و مسافران به اوطان‌شان برگردند؛ البته گاهی کسی در محل و بین اقوام خود نیز غریب است؛ همان‌طور که حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «الغریب من لیس له حبیب؛^۱ غریب کسی است که دوست ندارد».

همچنین بنا بر برخی از روایات مؤمن واقعی در این دنیا غریب است.^۲ چه زیباست شعری مولوی که می‌گوید:

از کجا آمده‌ام، آمدنم بهر چه بود؟ به کجا می‌روم آخر نمایی وطنم؟
خزّم آن روز که پرواز کنم تا بر دوست به امید سر کوبش، پَر و بالی بزَنم
مرغ باغ ملکوتم، نیم از عالم خاک چند روزی قفسی ساخته‌اند از بدنم

در روایت از حضرت مهدی علیه السلام نیز با واژه غریب یاد شده است؛ از جمله «هو الطرید الوحید الغریب الغائب عن اهله الموتور بابیه»^۳ او همان یکتای غریب و پنهان از خاندانش می‌باشد». این روایت را می‌توان به هر سه معنای فوق حمل کرد؛ بنابراین هنگام خواندن این دعا دل را به سمت امام زمان علیه السلام سوق دهیم.

۷. اللَّهُمَّ فَكِّ كُلِّ أَسِيرٍ

آزادی اسیر و زندانی و اکرام آنها از نظر دینی اهمیت فوق‌العاده دارد. در زندان‌های اسرائیلی و غریب مظلومان و مسلمانانی هستند که نگاه به دعای مؤمنین در ماه مبارک دارند. در کشور خودمان نیز برخی به دلیل جرایم مالی زیاد یا اندک که چه بسا خود تقصیری در مسئله نداشته‌اند گرفتارند و نگاه به دعا و مساعدت مؤمنانه اندوخته‌اند. امام صادق علیه السلام «اعمال ام‌داود» را که در عصر نیمه رجب خوانده می‌شود، برای آزادی یک زندانی تعلیم دادند.^۴ امام علیه السلام برای آزادی یکی از یاران‌شان به نام محمد بن حمزه توصیه کردند این دعا خوانده شود: «يَا مَنْ يَكْفِي مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلَا يَكْفِي مِنْهُ شَيْءٌ أَكْفِنِي مَا أَهَمَّنِي مِمَّا أَنَا فِيهِ». ابن حمزه بعد از مداومت بر این دعا آزاد شد.^۵ هنگام قرائت این دعا، نمی‌توان دو گروه از اسرا را نادیده گرفت:

۱. عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ص ۶۴.

۲. حسن بن علی ابن‌شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۳۷۰ (المؤمن في الدنيا غريب).

۳. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۱۵۱.

۴. محمد بن علی ابن‌بابویه، فضائل الأشهر الثلاثة، ص ۳۳ - ۳۴.

۵. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۵۰۸.

تأملی در برخی از فقرات دعای «اللَّهُمَّ ادْخِلْ عَلَيَّ أَهْلَ الْقُبُورِ السُّرُورَ» ■ ۱۷۱

الف) اسیر نفس: هستند کسانی که با وجود زندگی آزادانه، اسیر نفس و شیطان هستند. نقطه مقابل اسارت یعنی «آزادی» تنها در پرتو عمل به دستورات الهی محقق می‌شود. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «کم من عقل أسیر عند هوی أمیر؛^۱ بسیاری از عقل‌ها اسیر هوای نفس هستند».

ب) اسیری مؤمن در دنیا: مؤمنی که آرزوهایش را برای آخرت نگه داشته است و از اولیایش و نعمت‌های جاودانه بهشت دور است و در فراق آنها اندوهگین زندگی می‌کند، جهان با این بزرگی برایش زندان است. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «الدُّنْيَا سِجْنُ الْمُؤْمِنِ».^۲

حافظ در مورد قفس دنیا می‌سراید:

چنین قفس نه سزایِ چو من خوش آحانیست

رَوم به گلشنِ رضوان، که مرغِ آن چمنم

چگونه طوف کنم در فضایِ عالمِ قدس؟

که در سراجِ ترکیب، تخته بندِ تنم^۳

بنابراین هنگام دعای فوق این اسیران را نیز مدنظر قرار دهیم.

۸. اللَّهُمَّ اشْفِ كُلَّ مَرِيضٍ

درخواست شفای بیماران از خدا یکی از دعا‌های زیباست که معمولاً مردم با جان و دل آن را از خدا درخواست می‌کنند و اگر کسی در این باره دعا کند، آمین می‌گویند؛ زیرا همواره در اطرفیان و آشنایان بیمارانی سراغ دارند که نیاز به دعا دارد و آن‌قدر بیماری شیوع دارد که به محض خواندن این دعا اذهان به سمت بیمارستان و خانه‌هایی می‌رود که بیماران جسمی در آن قرار دارد و این امر بسیار پسندیده‌ای است. رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «مَنْ أَطْعَمَ مَرِيضًا شَهَوْتَهُ أَطْعَمَهُ اللَّهُ مِنْ ثَمَارِ الْجَنَّةِ»^۴ هر که غذای دلخواه مریضی را به او بخوراند، خدا از میوه‌های بهشت به او بخوراند».

افزون بر بیماری جسمی، بیماران دیگری هم به دعا نیاز بیشتری دارند و آن بیماری‌های

۱. عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ص ۵۱۲.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۲۵۰.

۳. شمس‌الدین محمد حافظ، دیوان حافظ، ص ۳۳۳.

۴. ابو القاسم پاینده، نهج الفصاحة (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صلی الله علیه و آله)، ص ۷۵۶، ح ۲۹۴۴.

اخلاقی است که قرآن در مورد آنها می‌گوید: «فی قلوبهم مرض»^۱. در برخی موارد بیماری جسم، کفاره گناهان است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «السقم یمحو الذنوب»^۲؛ بیماری گناهان را نابود می‌کند». اما بیماری اخلاقی نه تنها کفاره گناه به شمار نمی‌رود، بلکه خود کارخانه گناه‌سازی است و حتی با آمرزیده شدن گناهان کارخانه تولید گناه از کار نیفتاده و انسان خلاصی پیدا نکرده است. بنابراین کسانی که گرفتار بیماری‌های اخلاقی یا باطنی همانند کبر، ریا، حسد و نفاق هستند، بیشتر به دعای مؤمنین احتیاج دارند. مرحوم نراقی در معراج السعاده تعداد بسیاری از امراض اخلاقی را بیان و راهکار معالجه آن را نیز بیان کرده‌اند.^۳

سخن پایانی

دعا یکی از راه‌های ارتباطی با آفریدگار جهانیان است. خداوند می‌فرماید: «مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم». خداوند کریمی است که در نیمه‌شب‌ها درخواست‌کننده را در آغوش می‌گیرد، به او توجه می‌کند، به خواسته‌های او جامعه عمل می‌پوشاند و آغوش گرم خود را از درخواست‌کننده دریغ نمی‌کند.

خرم آن کس بود که در دل شب	با طمأنینه و خشوع و ادب
سر نهد بر در کریمی و پس	کند از او هر آنچه خواست طلب
تو بخواه، او گشاید آغوشش	دهد او، تا برش گشایی لب

چه زیباست این دعاها در ماه مبارک، در مسجد و بعد از هر نماز محقق شود و چه زیباست دعایی که شمولیت آن تمام افراد بشر را دربر بگیرد و دعای «اللهم ادخل علی اهل القبور السور» چنین ویژگی دارد.

۱. بقره: ۱۰.

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۶۴، ص ۲۴۴.

۳. احمد بن محمد مهدی نراقی، معراج السعاده، ص ۵۸۰ - ۵۸۳.

تأملی در برخی از فقرات دعای «اللَّهُمَّ ادْخِلْ عَلَيَّ أَهْلَ الْقُبُورِ السُّرُورَ» ■ ۱۷۳

کتاب‌نامه

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، چ دوم، قم: دار الشریف رضی، ۱۴۰۶ ق.
۲. _____، عیون اخبار الرضا علیه السلام، چ اول، تهران: نشر جهان، ۱۳۷۸ ق.
۳. _____، فضائل الأشهر الثلاثة، تحقیق و تصحیح: غلامرضا عرفانیان یزدی، چ اول، قم: کتابفروشی داوری، ۱۳۹۶ ق.
۴. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، مصحح: علی اکبر غفاری، چ دوم، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۶۳ ش.
۵. ابن طاووس، علی بن موسی، فلاح السائل و نجاح المسائل، چ اول، قم: بوستان کتاب، ۱۴۰۶ ق.
۶. ابن قولویه، جعفر بن محمد، کامل الزیارات، مصحح: عبدالحسین امینی، نجف اشرف: دار المرتضویه، چ اول، ۱۳۵۶ ش، چ اول.
۷. امام صادق علیه السلام (منسوب)، مصباح الشریعة، مترجم: حسن مصطفوی، چ اول، تهران: انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران، تهران، ۱۳۶۰ ش.
۸. برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، مصحح: جلال‌الدین محدث، چ دوم، قم: در الکتب الاسلامیه، ۱۳۱۷ ق.
۹. پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحة (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صلی الله علیه و آله)، چ چهارم، تهران: دنیای دانش، ۱۳۸۲ ش.
۱۰. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۵۵۰ ق)، غرر الحکم و درر الکلم، به کوشش: سیدمهدی رجائی، چ دوم، قم: دار الکتب الاسلامی، ۱۴۱۰ ق.
۱۱. حافظ، شمس‌الدین محمد، دیوان حافظ، چ ششم، تهران: مؤسسه انتشاراتی امام عصر علیه السلام، ۱۳۸۹ ش.
۱۲. حسینی جلالی، سیدمحمدرضا، «رسالة الحقوق» در: دانشنامه جهان اسلام، چ اول، تهران: بنیاد دایرةالمعارف اسلامی، ۱۳۹۳ ش.
۱۳. طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، چ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ ق.

۱۴. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، محقق و مصحح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، چ چهارم، تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ ق.
۱۵. کفعمی، ابراهیم بن علی عاملی (۹۰۵ ق)، المصباح للكفعمی (جنة الأمان الواقية)، چ دوم، قم: دار الرضی (زاهدی)، ۱۴۰۵ ق.
۱۶. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، چ دوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۱۷. نراقی، احمد بن محمد مهدی، معراج السعاده، مقدمه: محمد نقدی، قم: هجرت، [بی تا].
۱۸. نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، چ اول، قم: مؤسسه آل البيت عليه السلام، ۱۴۰۸ ق.